

بررسی انتقادی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر اساس دیدگاه ائمه اطهار علیهم السلام

معصومه خنکدار طارسی *

احمد سلحشوری **

هادی وکیلی ***

دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۰۲

پذیرش نهایی: ۹۶/۰۱/۲۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی و نقد سبک فرزندپروری مقتدرانه بر اساس دیدگاه ائمه اطهار(ع) است. سبک فرزندپروری مقتدرانه دارای دو حالت کنترل و پذیرش زیاد و شامل سه مؤلفه ارتباط، نظم و خودمختاری است. والدین مقتدر قانونمند هستند و بر استقلال و خودکارآمدی فرزندان تأکید دارند و نسبت به آنها بازخورد مثبت نشان می‌دهند. روش این پژوهش تحلیلی - استنتاجی است. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه بر بازخواست و تنبیه فرزندان در موقعیت‌های تشخیصی از سوی والدین، توقع رفتار معقول و سنجیده بدون در نظر گرفتن توانایی فرزند، کنترل و پذیرش زیاد والدین، معرفی معیارهای زندگی از سوی والدین و رسیدن به اهداف مدنظر آنها، اعمال کنترل مستقیم بر فرزندان و تحمیل پیوسته قوانین با حساسیت به پذیرش برای اجرا تأکید دارد؛ اما دیدگاه ائمه اطهار بر عدم خشونت و تنبیه سخت، وادار نکردن فرزندان و پذیرش کارهای در حد توان آنها، ترسیم اهداف الهی و انتظارات روشن برای تخلق به اخلاق و رسیدن به قرب الهی، نظارت منطقی و حتی‌المقدور غیر مستقیم بر محور تعادل و حق‌محوری و عدم تحمیل و امر و نهی به فرزندان اشاره دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزند پروری اسلامی، تربیت فرزند، تعلیم و تربیت اسلامی.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه بوعلی سینا همدان

Masi_kh2@yahoo.com

Ah.salahshoor@gmail.com

** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه بوعلی سینا همدان

*** استادیار گروه مطالعات تطبیقی عرفان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

drhvakily@yahoo.com

مقدمه

رفاه و عظمت هر جامعه با تعلیم و تربیت نسبت مستقیم دارد؛ بدین معنی که هر چه سطح آموزش و پرورش مردم بالاتر باشد، سعادت بیشتری بر آن جامعه حکمفرماست. آموزش و پرورش کلید توسعه و پیشرفت همه‌جانبه جوامع در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و علمی و فنی است. اساس دغدغه فکری انسان از دیرباز، تعلیم و تربیت و روشهای دستیابی به آن بوده و همواره در تمامی ادوار این امر، توجه آدمی را به سوی خود معطوف کرده است (کشاوری، ۱۳۸۷: ۹۴). از آنجا که انسان موجودی اثرگذار، اثرپذیر و دارای نیروی اختیار، انتخاب و اراده آزاد است برای شکوفایی و به فعلیت رسیدن قوا و استعدادهایش به تربیت نیاز دارد. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسانهاست. رشد عاطفی^۱ و سلامت روانی^۲ به ارتباط خانواده و محیط بستگی دارد. به اعتقاد کوئر^۳ (۲۰۰۴) ارتباط خانوادگی به این معنا است که کودکان ارتباط با دیگران، تفسیر رفتارهای دیگران، تجربه احساسات و فعالیتهای ارتباطی با دیگران را یاد بگیرند (کوئر^۳، ۲۰۰۴: ۱۸). به عقیده بروک (۲۰۰۱) اعتقادات، ارزشها و نگرشهای فرهنگی و تربیتی توسط والدین پالایش، و به صورت بسیار منسجم و منتخب به کودک ارائه می‌شود (بروک^۴، ۲۰۰۱: ۳۶۳). شارما (۲۰۱۲) معتقد است تجربه‌ای که هر فرد با خانواده و به طور کلی با والدین خود دارد، به عوامل مهم و تعیین‌کننده فرایند تنظیم، سازش‌یافتگی و تربیت شخص طی دوران بلوغ و زندگی آینده وی است (شارما، ۲۰۱۲: ۲۵۷). بنابراین، وجود مشکلات رفتاری کودک به منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روشهای تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آنها با فرزندان ارتباط دارد (ساریان، ۱۳۹۲: ۴۵). جهانی شدن نیز به‌عنوان فرایندی گریزناپذیر در قرن ۲۱ در ابعاد سه‌گانه خود (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) آموزش و پرورش را دستخوش تغییر و تحول ساخته است. سیر تعلیم و تربیت به سمت ماشینی شدن، عدم کنترل مدارس بر آموخته‌ها و کیفیت و جهتگیریهای آموزش، تضعیف نظامهای آموزش محلی و ملی، کاهش حضور عوامل انسانی در زمینه تعلیم و تربیت، القای نگرش سودمدارانه در مورد تعلیم و تربیت، تغییر جهتگیریهای برنامه‌های تربیتی از

1 - Emotional Development

2 - Mental Health

3 - Koerner

4 - Brook

حالت بلند مدت به کوتاه مدت و تسلط فرهنگ غیر دینی غرب و سکولاری شدن نظامهای تربیتی و بلوغ زودرس جنسی فرزندان را به دنبال داشته است که کار والدین را در تربیت مختل می‌سازد (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۲۴). شناخت عوامل مهم در ایجاد تربیت مؤثر از ضروریات آموزش موفق است. یکی از این عوامل، سبک تربیتی فرزندان است. به اعتقاد گالارین (۲۰۱۲)، خانواده و سبکهای فرزندپروری از مهمترین عوامل در رشد روانی - اجتماعی فرزندان است (گالارین^۱، ۲۰۱۲: ۱۶۰۶). هر خانواده، شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد؛ این شیوه‌ها، که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شود، تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی است (هاردی^۲، ۲۰۰۸: ۳۰). از دیدگاه بورن اشتاین، سبکهای فرزندپروری، مجموعه الگوهایی از نگرشها و رفتارهاست که در والدین و میان هنگام فعالیتهای تربیتی قابل شناسایی است (بورن اشتاین^۳، ۲۰۰۵: ۱۶۵). هم‌چنین به اعتقاد جاگو (۲۰۱۱)، سبکهای فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرشهای والدین نسبت به فرزند و در رابطه با تربیت فرزندان است که سبب ایجاد جوی عاطفی میان فرزندان و والدین می‌شود (جاگو^۴، ۲۰۱۱). بر اساس ابعاد و عوامل سبک فرزندپروری، می‌توان به چهار سبک تربیتی اشاره کرد که عبارت است از:

۱ - مستبدانه ۲ - آسانگیر ۳ - غفلت انگارانه ۴ - مقتدرانه.

- سبک مستبدانه: فرزندپروری مستبدانه با کنترل زیاد والدین و پذیرش کم آنها مشخص می‌شود. این والدین بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می‌کنند (دهارت^۵، ۲۰۰۶: ۶۴).

- سبک آسانگیرانه: این سبک با کنترل کم والدین و پذیرش زیاد آنها مشخص می‌شود. سبک فرزندپروری آسانگیر، مؤلفه بی‌توجهی دارد و این بعد نیز، ارائه خواسته‌های کم، همراه با محدودیتهای بسیار کم از فرزندان را شامل می‌شود (لامبورن^۶، ۱۹۹۱: ۱۰۵۶).

- سبک غفلت انگارانه: والدین در این سبک بر رفتار و عملکرد فرزندان نظارت نمی‌کنند و به خواسته‌ها و انتظارات آنها توجهی ندارند. در چنین خانواده‌هایی مهر و محبت چندان جایگاهی

1 - Gallarin
2 - Hardy
3 - Bornstein
4 - Jago
5 - DeHart
6 - Lamborn

ندارد و والدین تنها نیازهای اولیه فرزندان را تأمین می‌کنند.

- سبک مقتدرانه: این سبک با کنترل و پذیرش زیاد والدین مشخص می‌شود. در این سبک مجموعه‌ای از حمایت اجتماعی، ارتباط دو سویه، پذیرندگی، پاسخگویی، شکیبایی و خشنودی نسبت به فرزندان دیده می‌شود (کوریدو^۱، ۲۰۰۲: ۲۷۵). بنابراین، در بسیاری از شیوه‌های تربیتی کنونی، والدین یا کنترل کمتری بر کودکان خود اعمال می‌کنند یا ابراز محبت در برخی از الگوها در پایین‌ترین سطح قرار دارد و یا کنترل ضعیفی بر آنها دارند. بیشتر والدین در ارتباطات خود با فرزندان، بی‌ثباتند و در چگونگی تربیت فرزندان با هم اختلاف دارند؛ لذا به عقیده دالزل^۲ (۲۰۰۷) این شیوه تربیت صفر و یک و باید و نبایدی و چالشهای رفتاری در فرزندان، ما را به شناسایی محیط‌های خانوادگی نه چندان مطلوب و شیوه‌های نادرست تعامل والدین - فرزند می‌کشاند (دالزل و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۸۱)؛ به عنوان مثال، دارلینگ و اشتاین برگ (۱۹۹۳) معتقدند که در بسیاری از سبک‌های تربیتی، والدین، پذیرای نیازهای فرزندان نیستند و بر اطاعت بی‌چون و چرا از قوانین تأکید دارند و کنترل در سطح بالایی است (والدین مستبد) و یا محبت زیادی را اعمال، و یا برخی والدین هم کنترل کم و یا پذیرش کم را در تربیت لحاظ می‌کنند (دارلینگ و اشتاین برگ^۳، ۱۹۹۳: ۴۹۱). به عقیده علیزاده، بسیاری از خانواده‌ها از شیوه‌های تربیتی نامطلوب استفاده می‌کنند که منشأ ترس، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان است (علیزاده، ۲۰۰۲: ۲۹). یوسلیانی معتقد است که سبک فرزندپروری آسانگیرانه، مستبدانه و حتی سبک مقتدرانه، سبب بروز اختلال بیش‌فعالی و نقص توجه و اختلال اضطراب جدایی در کودکان شده است (یوسلیانی، ۱۳۹۱: ۱۲۷). هم‌چنین نتایج پژوهش رضایی نشان می‌دهد که والدینی که از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند، فرزندان‌شان یادگیری را ذاتی و سریع و ثابت نمی‌دانند. هم‌چنین این پژوهش نشان داد که هیچ‌یک از سبک‌های فرزندپروری به صورت مستقیم در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سهم ندارد (رضایی، ۱۳۸۸: ۱۳۰). آهنگر انزابی نیز در پژوهش خود نشان داد که استفاده از سبک دموکراتیک (مقتدرانه) توسط والدین، سبب بروز خشم و پرخاشگری کلامی و ایجاد خصومت در فرزندان می‌شود (آهنگر انزابی، ۱۳۹۰: ۶). نتایج پژوهش‌های خانجانی در مادران شاغل و خانه‌دار نشان داد که مادران خانه‌دار بیشتر از سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند؛

1 - Querido

2 - Dalzell

3 - Darling & Steinberg

لذا میزان سازگاری اجتماعی فرزندان این نوع خانواده‌ها به نسبت خانواده‌های دیگر، کمتر است؛ چرا که این مادران بیشتر وقت خود را صرف کارهای مربوط به خانه‌داری می‌کنند (خانجانی، ۱۳۹۲: ۴۶). نتایج پژوهش یوسفی نیز نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه، پیامدهای مثبتی برای فرزندان نداشته است. خانواده‌هایی که از سبک مقتدرانه و قاطع استفاده کرده‌اند، فرزندانشان مهارت اجتماعی کمتری دارند و این سبکها اغلب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی را به همراه داشته است (یوسفی، ۱۳۸۶: ۴۴). نتایج پژوهش کلاتری نشان داد که والدینی که از سبک تربیتی مقتدرانه با کنترل زیاد استفاده کردند، فرزندانشان اعتماد به نفس کافی ندارند و استقلال خود را از دست داده‌اند. هم‌چنین هر چه استفاده از شیوه‌های کنترل و انضباطی والدین (بویژه در سبک مقتدرانه) بیشتر باشد، سبب بروز بیش‌فعالی و اختلال کردار در فرزندان شده است (کلاتری، ۱۳۸۴: ۶۵). از میان روشهای فرزندپروری موجود، تعدادی از پژوهشگران از جمله پرچم (۱۳۹۱)، قدسی (۱۳۹۳) در پژوهش خود، سبک مقتدرانه را نزدیکترین روش تربیتی به سبک تربیتی اسلامی معرفی کرده‌اند. ویژگی سبک مقتدرانه سطوح بالایی از مهرورزی و مشارکت، حساسیت و پاسخگویی، استدلال و منطق، کنترل و محدودیت، تشویق و تأیید و پرورش خودپروی در کودک است (بامریند^۱، ۱۹۹۱: ۶۸). والدین مقتدر در مقایسه با دیگر والدین، گرمتر، صمیمی‌تر و با محبت‌تر هستند. این والدین هم به استقلال و تصمیمات فرزندان خود احترام می‌گذارند و هم قوانین و معیارهای مناسب تعیین می‌کنند و در مواضع خود قاطع و محکم هستند و در عین حال در مورد راهنماییها، معیارها و مخالفت‌های خود دلایل منطقی و قاطعانه ارائه می‌کنند (هاور^۲، ۲۰۱۰: ۳۹۸). والدین مقتدر در حالی که روشهای کنترلی را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند در مورد آنها توضیح می‌دهند و هم‌چنین روشهای تقویتی را برای تغییر در رفتار کودکان خود به کار می‌گیرند. در این سبک مجموعه‌ای از حمایت اجتماعی، ارتباط دو سویه، پذیرندگی، پاسخگویی، شکیبایی و خشنودی نسبت به فرزندان دیده می‌شود (کوریدو^۳، ۲۰۰۲: ۲۷۵). از آنجا که بنیان و مبانی سبکهای فرزندپروری بر اساس آموزه‌های غربی است و در پی آن اهداف، اصول و روشهای آن نشأت گرفته از این مبانی است در این پژوهش به طور کلی به بررسی سبک فرزندپروری مقتدرانه (با تأکید بر اهداف، اصول و

1 - Bamrind
2 - Huver
3 - Querido

روشهای تربیتی) پرداخته شده است. فرزندپروری در متون اسلامی فعالیت پیچیده شامل رفتارها، زمینه‌سازیها، آموزشها، تعاملها و روشهایی است که جدا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی، رفتاری، در ابعاد فردی و اجتماعی تاثیر می‌گذارد. از دیدگاه ائمه اطهار(ع)، مسئولیت فرزندپروری در اصل به عهده پدر و مادر است. امام علی(ع) سه حق را بر پدر لازم می‌داند که یکی از آن موارد جدیت در تربیت اوست. ایشان می‌فرمایند: «و حق فرزند بر پدر اینکه نام نیکو بر فرزند نهد؛ خوب تربیتش کند و او را قرآن بیاموزد»^(۱) (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹).

در روایات ائمه نیز بر تعامل سازنده با فرزندان تأکید شده است و از والدین انتظار می‌رود تا هفت سالگی بر فعالیتهای فرزندان نظارت داشته باشند؛ ولی از تحمیل، یا فشاری، بازخواست و تنبیه خودداری کنند و نیازها و خواسته‌های فرزندان را در حد طبیعی برآورده سازند. در هفت سال دوم، والدین انتظار دارند فرزندان خوب تحصیل کنند و در جهت رشد علمی و تربیتی خود فعال باشند. در هفت سال سوم انتظار می‌رود که فرزندان از رشد عقلی کافی برخوردار باشند و با درک وضعیت محیطی و پیامد کارها زندگی خود را شایسته مدیریت کنند و قدردان زحمت‌های والدین باشند؛ احترام آنها را نگه دارند و در کارهای مورد نیاز به آنها کمک، و عاقلانه رفتار، و از رفتارهای پرخاصگرانه و خلاف اخلاق پرهیز کنند (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۷). از آنجا که نظام تربیتی کامل، دقیق و ساختارمندی از دیدگاه ائمه اطهار(ع) تدوین نشده است با توجه به ویژگیهای سبک مقتدرانه و تطبیق آن با سخنان ائمه اطهار(ع) به نقد آن پرداخته شده است. بی تردید مطمئن‌ترین و مطلوبترین منبع انتخاب سبک فرزندپروری، سبک تربیتی اهل بیت و ائمه اطهار است. با مراجعه به سیره ائمه اطهار مشخص می‌شود که آنان سبک ویژه‌ای در تربیت فرزندان داشته‌اند. در همین راستا این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی همچون ویژگیهای سبک فرزندپروری مقتدرانه کدام است؛ ویژگیهای سبک فرزندپروری از دیدگاه ائمه اطهار(ع) کدام است و تفاوت سبک فرزندپروری مقتدرانه با سبک فرزندپروری ائمه اطهار(ع) در چیست؟ بنابراین این پژوهش در تلاش برای بررسی و نقد سبک فرزندپروری مقتدرانه بر اساس دیدگاه ائمه اطهار است.

روش پژوهش

روش این پژوهش، رویکرد کیفی و روش تحلیلی - استنتاجی است. ابزار گردآوری داده‌ها اسنادی و با بهره‌گیری از آثار و تألیفات اسلامی است.

ویژگیهای سبک فرزندپروری مقتدرانه کدام است؟

پژوهشگران الگوهای گوناگونی دربارهٔ ارتباط والدین و فرزندانشان مطرح کرده‌اند. باربر^۱، زیربنای ساختار سبک فرزندپروری را در برگیرنده دو عامل اساسی می‌داند: یکی حمایت (از نیاز) والدینی که به کیفیت عاطفی رابطه کودک و والدین مربوط است و دیگری، نظم‌دهی والدینی که به توان نظم‌دهی و سازماندهی والدین اشاره دارد (باربر، ۲۰۰۵: ۱۹۷). شیفر در مطالعات خود در مورد تحلیل عوامل رفتارهای والدین به دو بعد رسید: وی این طبقه‌بندی را بر اساس بعد گرمی روابط در مقابل سردی (پذیرش در مقابل طرد) و بعد کنترل در مقابل آزادی (آسانگیری در مقابل سختگیری) ارائه کرد (شیفر^۲، ۱۹۹۱). بامریند چهار سبک فرزندپروری را مشخص کرده است: سبک مستبدانه، سبک مقتدرانه، سبک آسانگیر و سبک بی‌اعتنا که سبک‌شناسی چهارگانه‌ای را برای سبکهای والدینی شکل داده است. در این پژوهش سبک فرزندپروری مقتدرانه از نظریهٔ بامریند مد نظر قرار گرفته شده است. ابعاد چهارگانه فرزندپروری در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۱: ابعاد چهارگانه فرزندپروری بامریند (به نقل از بولاندا، ۲۰۰۴)

کنترل کم	کنترل بالا	پذیرش
آسانگیر	مقتدر	پذیرش زیاد
بی‌اعتنا	مستبد	پذیرش کم
مقتدرانه: تقاضاهای معقول (قابل استدلال)، تحمیل پیوسته قوانین با حساسیت به پذیرش	مقتدر: قوانین و دستورهای اندک، والدین غیر مسئول و غیر حساس نسبت به نیازهای کودک	مستبدانه: قوانین و دستورهای زیاد، توضیحات کم و حساسیت اندک نسبت به نیازها و رفتار کودک
آسانگیر: قوانین و دستورهای اندک، آزادی دادن فراوان به فرزندان	بی‌اعتنا: قوانین و دستورهای اندک، والدین غیر مسئول و غیر حساس نسبت به نیازهای کودک	مستبدانه: قوانین و دستورهای اندک، والدین غیر مسئول و غیر حساس نسبت به نیازهای کودک

سبک فرزندپروری مقتدرانه دارای سه بعد یا عامل ارتباطی (حمایتگر یا پذیرا)، نظم (کنترل) و خودمختاری (مشارکت آزادانه) است (جورج^۳، ۲۰۰۴). ویژگی ارتباطی (حمایتی و پذیرا) که حمایت هیجانی، ارتباط دو سویه، محیطی منعطف و همراه با پذیرش والدین را شامل می‌شود. ویژگی نظم (کنترل) نیز پذیرش منطقی برای کارها، فراهم‌سازی محیطی برای مشخص شدن نتایج رفتار در فرزندان است و ویژگی خودمختاری، فراهم کردن محیطی برای بیان احساسات و عقاید

1 - Barber
2 - Shifer
3 - Georege

فرزندان و استفاده از نظر آنان در ایجاد قواعد خانوادگی است (هاتوپ و لارنس^۱، ۱۹۹۳: ۵۶).
والیر معتقد است که بیشتر خانواده‌ها از الگوهای فرزندپروری مبتنی بر طرد، انضباط دوگانه،
سستی موازین اخلاقی و کمال‌جوییهای غیرمنطقی استفاده می‌کنند (مکارتی^۲، ۲۰۰۴: ۸۷).
فرزندپروری مقتدرانه به این معنی است که والدین با صمیمیت به خواسته‌های فرزندان عمل
می‌کنند. بامریند در توصیف سبکهای فرزندپروری به دو بعد اساسی محبت و کنترل اشاره می‌کند
(دویری، ۲۰۰۶). به اعتقاد او، سبکهای فرزندپروری دو عامل اساسی دارد که عبارت است از
پذیرش (صمیمیت و اطمینان‌بخشی) که به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود استقلال در
کودکان، حمایت و اطمینان‌بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد و کنترل والدین
(کنترل رفتاری) که به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق
داشتن تقاضاهای متناسب با تواناییهای فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد (بامریند،
۱۹۹۱: ۵۷). به اعتقاد پل رین (۲۰۰۵)، بامریند در مورد دو عامل تعیین‌کننده تعامل والدین و فرزند
یعنی پذیرندگی / پاسخدهی و توقع / کنترل، مطالعه کرده است. بعد پذیرندگی / پاسخدهی به
میزان گرمی والدین و حمایت از کودک اشاره، و بعد توقع / کنترل نیز به درجه انتظار والدین از
کودک برای تنظیم رفتار و نظارت بر فعالیت فرزند اشاره دارد (پل رین^۳، ۲۰۰۵: ۲۹۱).
فرزندپروری مقتدرانه با کنترل و پذیرش زیاد والدین مشخص می‌شود. والدین مقتدر معمولاً
مقررات سختی برای فرزندانشان وضع، و بر اجرای آن پافشاری می‌کنند. آنان فرزندانشان را تشویق
می‌کنند که مستقل باشند؛ به پیشرفت فرزندان علاقه زیادی دارند؛ بازخوردهای مثبتی نسبت به
پیشرفت فرزندان خود دارند و فرزندان خود را هدایت و کنترل می‌کنند. باید توجه کرد که داشتن
انتظارات والدین از فرزندان همراه با حد معقولی از محبت، موجب افزایش پشتکار و خودکارایی
فرزندان می‌شود در صورتی که وجود اقتدار غیر منطقی، که بر اساس میل والدین به تسلط بر فرزند
باشد به احساس طردشدگی، پرخاشگری و افسردگی منجر می‌شود (بامریند، ۱۹۹۱: ۶۴). والدین
مقتدر معیارهایی به فرزندان نشان می‌دهند که طبق آنها زندگی کنند؛ غالباً می‌خواهند چیزهایی را
از نوجوان خود بیاموزند. این والدین از کودکان خود توقع رفتار معقول و سنجیده دارند. آنها
توقعات خود را آشکارا بیان، و توضیحاتی را ارائه می‌کنند تا به کودک برای درک دلایل آنها

1 - Hartup & Laurson
2 - MaCarty
3 - Pellerin

برای تقاضاها کمک کنند. آنها هم‌چنین به گفته‌های کودکان خود گوش می‌کنند و گفتگو با آنها را ترویج می‌دهند. والدین مقتدر در کنش خود با کودکان دلسوز و صمیمی هستند. هرچند این والدین در تعاملات خود با فرزندان‌شان گرم هستند و اغلب از تقویت مثبت برای هدایت رفتار استفاده می‌کنند از بازخواست و تنبیه هم به صورت ملایم استفاده می‌کنند. این والدین آماده اعمال کنترل مستقیم بر کودکان‌شان هستند و به تسلیم شدن در مقابل رفتارهای ناخوشایندی چون جیغ زدن و ریخت و پاش تمایلی ندارند؛ رفتار مستقل و حاکی از بلوغ فرزندان‌شان را ترغیب می‌کنند و وقتی این والدین به رفتار فرزندان‌شان نظم می‌بخشند، منطقی حاکم بر رفتارشان را هم به آنها توضیح می‌دهند (بامریند، ۱۹۹۱: ۷۱). این والدین علاوه بر اینکه بر رفتارهای فرزندان‌شان کنترل دارند برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود انتظار دارند، نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده، و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند. والدین مقتدر عموماً محدودیتهای مشخصی برای کودکان‌شان قرار می‌دهند. آنها به انطباق تشویق می‌شوند و استدلال را برای توضیح قوانین به کار می‌برند. این سبک فرزندپروری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت تحصیلی زیاد، اتکای به خود و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (استینبرگ^۱، ۱۹۹۴: ۷۶۰). معمولاً کودکان والدین مقتدر، سطوح بالاتری از خودمختاری دارند و از صلاحیتهای اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران برخوردار هستند و پرخاشگری کمتری از خود نشان می‌دهند (دمتروویچ^۲، ۲۰۰۱: ۲۴۰). با اینکه سبک مقتدرانه در دیدگاه روانشناسی، موفقترین روش فرزندپروری شناخته شده است، پژوهشهای متعددی نشان داد که استفاده از این سبک توسط والدین با مشکلاتی روبه‌رو شده است. لذا سبک فرزندپروری مقتدرانه را می‌توان دارای دو بعد پذیرش زیاد و کنترل فراوان دانست؛ لذا می‌توان دو قطبی بودن را از معایب این سبک برشمرد (بشارت، ۱۳۹۴: ۵۲). سبک فرزندپروری مقتدرانه، مخصوص خانواده‌هایی است که اقتدار را همراه با نوعی ترس به فرزندان خود منتقل می‌کنند. حریمی آغشته از ترس و احترام، فاصله والدین و فرزندان را در بر می‌گیرد. در این سبک والدین، درخواستهایی را که از فرزندان خود دارند با تعیین محدودیتهای آنها و اصرار بر اینکه کودک باید از آنها پیروی کند به اجرا می‌گذارند (هاک، ۱۳۸۳: ۸۹).

1 - Steinberg

2 - Domitrovich

ویژگیهای سبک فرزندپروری از دیدگاه ائمه اطهار(ع) کدام است؟

در قرآن و احادیث بر سبک فرزندپروری ویژه تأکید شده است تا فرزند بدرستی و بر اساس فطرت انسانی که خدا به وی عطا کرده است، تربیت شود و شخصیتش در جنبه‌های مختلف روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی به صورت بهنجار رشد کند. به تعبیر رسول اکرم(ص) روش مناسب این است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند پدید آورد؛ ویژگیهای روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد؛ زندگی را شایسته تدبیر کند و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۱۵). حضرت علی(ع) می‌فرماید: «والدین باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه‌ها را به کار گیرند»^(۲). هم‌چنین رسول اکرم(ص) مسئولیت‌پذیری و تربیت فرزند را همواره از حقوق و وظایف والدین معرفی می‌کرد و تربیت کودک را از دادن صدقات بسیار به نیازمندان، برتر و با فضیلت‌تر می‌دانست (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۴۶۱). امام صادق(ع) نیز به تأثیر والدین در بهداشت روانی فرزندان تأکید فرموده و مصونیت از ابتلا به ناهنجاریهای روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسلهای بعدی آنان را به نوع عملکرد آموزشی و تربیتی والدین وابسته دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۷). در سبک تربیتی ائمه (ع)، والدین مسئول و فضیلت‌خواه، انتظارات در حد توان از فرزندان خود دارند؛ در تعامل با آنان متناسب با سن و دوره‌های رشدشان عواطف نشان می‌دهند؛ آنها را تنبیه بدنی نمی‌کنند و از قهر و به‌کارگیری تنبیه‌های سخت و طولانی مدت پرهیز می‌کنند. آنان آنچه فرزندانشان در توان دارند و انجام می‌دهند از وی می‌پذیرند و کارهای بیش از توان از او نمی‌خواهند و او را به گناه و کارهای ناشایسته وادار نمی‌کنند؛ به او دروغ نمی‌گویند و در برابر او رفتارهای خلاف اخلاق و ضوابط مرتکب نمی‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۴). منبع دریافت سبک تربیتی برای فرد مسلمان از اهمیت خاصی برخوردار است. بی‌تردید مطمئن‌ترین و مطلوب‌ترین منبع، سبک تربیتی و زندگی پیامبر و ائمه اطهار(ع) است؛ لذا با مراجعه به سیره اهل بیت(ع) معلوم می‌شود که آنان سبک ویژه‌ای در تربیت فرزندان داشته‌اند که در آن، اصول و روشهای تربیتی خاصی به کار گرفته‌اند (بناری، ۱۳۹۴: ۱۳۶). اساسا تربیت جز با میل و انگیزه و خواست فرد تحقق پیدا نمی‌کند. هنر تربیت کودکان، هموار کردن و همسو کردن متربی با مربی بر اساس میل و انگیزه و خواست متربی است و نه با تهدید و زور و فشار. هنر مربی بر انگیزختن متربی و راه نمودن به اوست به گونه‌ای که متربی خود راه تربیت را پذیرا شود. اگر جز این باشد تربیتی انجام نگرفته است (قاسم نژاد، ۱۳۹۴: ۵).

ویژگیهای سبک فرزندپروری ائمه اطهار(ع)

با توجه با اینکه بیشتر پژوهشگران حوزه تربیت اسلامی بناری (۱۳۹۴)، محمدی (۱۳۸۷)، شکوهی (۱۳۸۵)، مرزوقی (۱۳۸۶) درباره ویژگیهای تربیت اسلامی اشتراک نظر دارند و از آنجا که بخشی از این مقاله به بررسی ویژگیهای تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار(ع) می‌پردازد از بین ویژگیهای مورد تأکید ائمه (ع) این ویژگیها مانند زمینه‌سازی، نظارت و کنترل، توجه به توانایی و ظرفیت مرتبی، آزادی، نظم و انضباط، محبت و تشویق و تنبیه انتخاب شد.

۱- زمینه سازی

یکی از ویژگیهای تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار(ع) زمینه‌سازی است. در سیره و نگاه اهل بیت(ع)، تربیت فرایندی با مراحل گوناگون، و اصل زمینه‌سازی در همه این مراحل، ساری و جاری است؛ از این رو برای هر مرحله، فعالیتها و اقدامات تربیتی زمینه‌ساز طراحی شده است که بدون توجه به آنها، موفقیت در مراحل بعدی امکانپذیر نیست. احمد بن محمد بن عیسی به نقل از پدرش چنین می‌گوید: هنگامی که امام جواد(ع) قصد داشتند از مدینه به عراق بروند، امام هادی(ع) را در دامشان قرار دادند و فرمودند: «دوست داری کدام یک از سوغاته‌های عراق را برای تو هدیه آورم؟ امام هادی(ع) فرمودند: شمشیری که بسان شعله آتش باشد (که کنایه از روحیه دلاوری و شجاعت است). سپس امام جواد(ع) خطاب به فرزند دیگرش موسی فرمود: تو چه سوغاتی دوست داری؟ گفت فرش اتاق. امام جواد فرمودند: ابوالحسن به من شباهت پیدا کرده است و موسی به مادرش شباهت دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۳). امام صادق(ع) فرمود: «لقمان حکیم به فرزند خود چنین سفارش کرد: فرزندم، اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی از آن بهره خواهی برد»^(۳) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱۹). این مطلب بخوبی نشان می‌دهد که خانواده بویژه پدر و مادر زمینه‌سازی اولیه را برای تربیت صحیح بر عهده دارند. امام هادی(علیه السلام)، نقش مادر را در تربیت صحیح فرزند بسیار مهم می‌دانند و یکی از زمینه‌های تربیت صحیح را خانواده شایسته معرفی می‌کنند؛ چنانکه از علی بن مهزیار روایت شده است که آن حضرت در وصف مادر بزرگوارشان، چنین می‌فرماید: «مادرم به حق من عارف و اهل بهشت بود؛ شیطان سرکش به او نزدیک نمی‌شد و مکر ستمگر لجوج به او نمی‌رسید؛ در پناه چشم همیشه بیدار خدا بود و در ردیف مادران انسانهای صدیق و صالح قرار داشت» (طبری، ۱۳۸۳: ۴۱۰).

۲- نظارت و کنترل

یکی از ویژگیهای تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار، عامل نظارت و کنترل است. نظارت مستمر و حساب شده بر وضعیت اخلاقی، تحصیلی و رفتاری فرزند، ضرورتی انکارناپذیر در تربیت است. البته این نظارت باید منطقی و حتی الامکان غیر مستقیم و بجا باشد. اهل بیت (ع) در سیره تربیتی خود به موازات اهتمام به فراهم کردن موقعیت و زمینه‌سازیه‌ها درباره تأثیر عوامل منفی نیز هشدار می‌داده، و در مراحل مختلف سنی و بلکه سالها پیش از تولد فرزند، اهتمام ویژه به این اصل داشته‌اند. امام علی (ع) می‌فرماید: «ای مردم! به تربیت نفسهای خود پردازید و آن را از آزمندی به عادت‌های بازدارید»^(۴) (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۹: ۵۳۷). حضرت رضا (ع) نیز، که به سبب ستم فرمانروایان، ناگزیر مدتی دور از وطن و خانواده به سر برد به شکلهای گوناگون همچون نامه و پیامهای شفاهی از دور بر وضعیت فرزندش جواد (ع) نظارت، و راهنماییهای لازم را به وی ارائه کرد؛ چنانکه پیش از رفتن به خراسان درباره فرزندانش آنچه شایسته بود، سفارش کرد (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۳).

۳- توجه به توانایی و ظرفیت متربی

یکی از ویژگیهای تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار عامل توجه به توانایی و ظرفیت متربی است. فرزندان در مقاطع مختلف سنی، ظرفیت و توانمندیهای متفاوتی دارند ضمن اینکه تفاوت‌های فردی و جنسیتی در هر مقطع سنی، واقعیتی انکارناپذیر است و بدون توجه به این واقعیت‌ها و ظرفیتهای، طراحی برنامه تربیتی در مسائل مرتبط با آنان، عقیم و بی‌ثمر خواهد بود. از سوی دیگر، فرزندان بویژه در دوره کودکی و نوجوانی با محدودیتهای خاصی روبه‌رو هستند و توانایی انجام دادن هر نوع فعالیتی را ندارند. براساس اصل توجه به توانمندیهای فرزندان باید واقعیت‌های مربوط به آنان را در نظر گرفت و سطح انتظارات را متناسب با ظرفیتهای آنان تنظیم کرد (بناری، ۱۳۹۴: ۱۴۵). امام سجاد (ع) نیز کودکان را به چیزی غیر از نماز واجب دستور نمی‌داد. ایشان کودکانی را که نزد او بودند و می‌داشت که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را باهم بخوانند^(۵). به آن حضرت اعتراض شد فرمود: «این عمل برای آنها سبکتر و بهتر است و سبب می‌شود که به خواندن نماز پیشی بجویند و به دلیل خواب یا سرگرمی به کار دیگر، نماز را ضایع نسازند. امام، کودکان را به چیز دیگری غیر از نماز واجب دستور نمی‌داد و می‌فرمود: اگر قدرت و طاقت بر خواندن نمازهای واجب داشتند، آنان را محروم نسازید»^(۶) (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶۰). امام صادق (ع) نیز کودکان را که به سن تکلیف نرسیده بود در قسمتی از روز ماه رمضان به

روزه دستور می‌داد ولی هنگامی که می‌دید گرسنگی و تشنگی بر او غلبه کرده است، می‌فرمود افطار کند^(۷) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۳). امام صادق (ع) می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکویی او یاری کند. راوی پرسید: چگونه فرزند خود را بر نیکویی یاری کند؟ حضرت جواب داد: آنچه را در وسع و توان کودک باشد از او بپذیرد و از آنچه بر کودک دشوار و سخت است در گذرد و با تحمیل کارهای فوق طاققت به او ستم روا ندارد و در رفتار با او درشتی و سختگیری نشان ندهد»^(۸) (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۲۶۳).

۴- آزادی

یکی از ویژگیهای تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار عامل آزادی است. انسان موجودی صاحب اراده و اختیار است و در وضعیت طبیعی براساس انتخاب خود، رفتار و عمل می‌کند و از هر نوع تحمیل و اجبار گریزان است. این امر را در دوره کودکی و بویژه هفت سال اول از زاویه‌ای دیگر می‌توان بررسی کرد؛ چرا که کودک در این دوره، هنوز به حد تمیز و تشخیص خوبی از بدی و سود از زیان نرسیده و بسیاری از هنجارها و ناهنجارها برای او نامفهوم است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «فرزندت را در هفت سال اول آزاد بگذار تا بازی کند»^(۹) (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۸). امام کاظم (ع) می‌فرماید: «سزاوار است بچه در کودکی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی بردبار شود و شایسته نیست جز این باشد»^(۱۰) (کلینی، ۱۳۷۵: ۵۱)؛ لذا مفاد اصل آزادی و پرهیز تحمیل بر کودک در این دوره، این است که کودک باید آزادی عمل داشته باشد و متناسب با اقتضائات سنی او اجازه فعالیت‌های گوناگون به وی داده شود. بنابراین، مهم است که کودک در هفت سال اول آزاد باشد و فرصت تجربه‌های متعدد و گوناگون کودکانه را پیدا کند و از تحمیل آداب و رفتارها بر او پرهیز شود. البته باید توجه کرد که معنای اصل آزادی و پرهیز از تحمیل، آزادی مطلق و منافی حقوق دیگران نیست؛ چرا که آزادی کودک نباید به سلب آزادی دیگران منجر شود (بناری، ۱۳۹۴: ۱۴۹). امام صادق (ع) می‌فرماید: پسر بچه هفت سال بازی می‌کند؛ هفت سال نوشتن را فرا می‌گیرد و هفت سال حلال و حرام را می‌آموزد^(۱۱). (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۷).

۵- نظم و انضباط

یکی از ویژگیهای تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار عامل نظم و انضباط است. نظم، ناشی از همسویی قوای درونی انسان است و تا وقتی قوای درونی انسان، همسو و همجهت نباشد، انسان

منظم نمی‌شود. قوه عاقله، قوه شهویه، قوه غضبیه و قوه عملیه باید همسو شود تا انسان بتواند در خود نظم ایجاد کند. اگر این قوا با حاکمیت عقل همسو شود، نظم الهی خواهد بود و اگر با حاکمیت نفس همسو شود، نظم دنیایی خواهد بود. سیره پیامبر اکرم(ص) نیز تنظیم کارها و نظام دادن به زندگی انسانی خود بود. عمل به قرآن نظام‌دهنده فرد و جامعه است و نظم شخصی و اجتماعی پیامبر اکرم(ص) حاکی از نفوذ بسیار پر اهمیت این مسئله در زندگی ایشان است تا آنجا که رسول خدا(ص) برای تمامی وسایل شخصی خود نامی انتخاب کرده بودند و نیز بر صفوف نماز جماعت بسیار تأکید می‌کردند. ایشان می‌فرمایند: «ای مردم صفهایتان را منظم کنید و دوش به دوش بایستید تا فاصله و جدایی و خلل میان شما نباشد و نامرتب نباشید و گرنه خداوند دل‌های شما را از یکدیگر دور می‌گرداند و من شما را از پشت سر می‌بینم»^(۱۲) (حرّ عاملی، ۱۳۶۷: ۴۷۲). حضرت علی(ع) می‌فرماید: «برترین ادب این است که انسان بر حد خویش بایستد و از اندازه خود فراتر نرود»^(۱۳) (آمدی، ۱۳۷۸: ۲۱۸). ایشان درباره اخلاق نظم می‌فرمایند: «مواظب باش کاری نکنی که به عذرخواهی نیاز باشد؛ در موقع خوشحالی و نعمت خوشگذرانی نکن و به هنگام سختی هراسان مباش»^(۱۴) (نهج‌البلاغه، نامه ۳۳: ۷۲۲). یا در جایی دیگر می‌فرماید: «هر چیز وقتی و زمانی دارد»^(۱۵) (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۹۰). امام علی(ع) می‌فرماید: «شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هر کس را که نوشته من به او می‌رسد به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم»^(۱۶) (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷: ۹۷۷). امام علی(ع) می‌فرمایند: «از عجله در مورد کارهایی که وقتشان نرسیده یا سستی در کارهایی که امکان عمل آن فراهم شده یا لجاجت در کارهایی که مبهم است یا سستی در کارها هنگامی که واضح و روشن است بر حذر باش! و هر امری را در جای خویش و هر کاری را به موقع خود انجام بده»^(۱۷) (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۱۰۳۱).

۶ - محبت

یکی از ویژگی‌های تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار عامل محبت است. هیچ روشی چون روش محبت در تربیت آدمی مؤثر نیست. سودمندترین روش‌های تربیت به نیروی محبت کارایی پیدا می‌کند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: دوستی کردن نیمی از عقل است^(۱۸) (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۲). برای درک بیشتر و پی بردن به اهمیت این روش همین بس که حضرت علی(ع) خطاب به امام حسن(ع) می‌فرماید: «چون برادرت از تو جدا گردد تو پیوند دوستی را برقرار کن؛ اگر روی برگرداند تو مهربانی کن و چون بخل ورزد تو بخشنده باش و هنگامی که دوری می‌کند تو نزدیک

شو»^(۱۹) (نهج البلاغه، نامه ۳۱). از آنجا که محبت با سرشت و فطرت آدمی سازگار و پذیرش آن از ناحیه درون و به دور از هیچ تحمیلی است، باید مریان تربیتی بویژه خانواده‌ها برای جذب فرزندان و جلوگیری از انحراف آنان بدان متوسل شوند و آگاه باشند که اگر جام محبت در خانواده‌ها لبریز باشد، فرزندان کمتر به ناهنجاریهای جامعه تن می‌دهند. در شیوه تربیتی امام علی (ع) به نهایت بعد عاطفی آن حضرت در برابر فرزندان بر می‌خوریم؛ از جمله آن‌گاه که به امام حسن مجتبی (ع) در بیان وصایای خود چنین خطاب می‌کند: «فرزندم! تو را دیدم که پاره تن من بلکه همه جان منی، آن‌گونه که اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است؛ پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد. من زنده باشم یا نباشم». ایشان در تربیت افراد جامعه نیز به اصل تألیف قلوب و محبت و مدارا بسیار توجه، و بر گسترش آن تأکید می‌فرمود: دل‌های مردم وحشی (پراکنده) است؛ به کسی روی می‌آورند که با آنها خوشرویی (محبت و مدارا) کند^(۲۰) (نهج البلاغه، حکمت ۴۷: ۱۹۳). امام صادق (ع) می‌فرماید: «بدون تردید، خداوند بر بنده خود به دلیل شدت محبت به فرزندش، رحم می‌کند»^(۲۱) (کلینی، ۱۳۷۵: ۵۰). پیامبر اکرم (ص) درباره اظهار محبت در رفتار می‌فرماید: «کسی که دخترش را خوشحال کند، مثل این است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد و کسی که پسرش را خوشحال کند، مثل این است که از ترس خدا گریسته باشد»^(۲۲) (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۵۱). هم‌چنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «فرزندان خود را زیاد ببوسید. بدرستی که برای هر بوسه‌ای، درجه‌ای برای شما در بهشت به اندازه مسیر پانصد سال خواهد بود»^(۲۳) (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۴۸۵).

نقل است از پیامبر اکرم (ص) خطاب به مردی از اشراف جاهلیت، که اظهار می‌کرد تا کنون هیچ یک از فرزندانش را نبوسیده است، فرمودند: کسی که نسبت به دیگری رحم ندارد، خدا نیز نسبت به او رحم ندارد^(۲۴) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۲) و در جایی دیگر می‌فرمایند: هر روز صبح بر سر فرزندان و نواده‌های خویش دست محبت می‌کشید^(۲۵) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹). رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «کودکان را دوست بدارید و به آنها مهربانی کنید و هرگاه به آنها وعده دادید، وفا کنید؛ زیرا آنها شما را روزی دهنده خود می‌دانند»^(۲۶) (کلینی، ۱۳۷۵: ۵۰).

۷- تشویق و تنبیه

یکی از ویژگیهای تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار عامل تشویق و تنبیه است. باید معیار و میزان

تنبیه و تشویق در مسیر تربیت فرزندان در خانواده‌ها و افراد در جامعه بخوبی شناخته و مراعات شود؛ چنانکه ائمه اطهار(ع) با شناختی که از نهاد افراد و توان آنها داشتند به این مهم یعنی تقدم عفو و تشویق بر تنبیه و مجازات مبادرت می‌ورزیدند. امام علی(ع) برای بیداری و هشیاری مریبان در مسیر تربیت افراد، خطاب به امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید: «پس اگر یکی از شما مرتکب خطایی شد، عفو و تغافل همراه با توازن بهتر و برتر است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امام موسی بن جعفر(ع) به یکی از یاران خود، که از دست فرزندش شکایت داشت، می‌فرماید: «او را زن و تنبیه نکن؛ بلکه با او قهر کن اما خیلی طول نکشد»^(۲۷) (فهد حلی، ۱۴۱۷: ۷۹). ایشان می‌فرماید: «افراط در تنبیه و سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزونتر می‌کند»^(۲۸) (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امام رضا(ع) می‌فرماید: «روزی حضرت موسی بن جعفر(ع) در محضر پدرش امام صادق(ع) سخنی فرمودند که موجب شگفتی، سُرور و شادی پدر شد. امام صادق(علیه السلام) در مقام تشویق فرزند خود به او فرمودند: «ای فرزندم! سپاس خدای را که تو را جانشین و خلف پدران و مایهٔ سرور و بهجت فرزندان و جانشین دوستان قرار داد»^(۲۹)؛ یعنی فرزندم، تو با این شایستگی و لیاقتی که از خود نشان می‌دهی، هم بهترین خلف و جانشین پدر هستی و هم بهترین فرزند و مایهٔ روشنی چشم پدر و هم بهترین یار و مونس پدر و به جای دوستان او هستی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴). حضرت علی(ع) نیز بر اساس کرامتی که برای انسانها قائل بودند، همواره تأکید می‌کردند که با انسان خطاکار در مرحله اول از روی رأفت و کرامت رفتار کنید و به منظور بیداری و تحرک انسانها بر اساس همان غیرت و روح کرامتش وارد عمل شوید؛ چنانکه خود در خطاب به تمام وجدانهای خفته می‌فرماید: «بزرگوarter از آن باش که به پستی دنیا تن دهی؛ هر چند تو را به مقصود برساند؛ زیرا نمی‌توانی در برابر آنچه از شخصیت خود که در این راه از دست می‌دهی، جایگزینی به دست آوری. بنده دیگری مباش در حالی که خدایت آزاد آفریده است»^(۳۰) (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۸۹۱). امیرالمؤمنین در جایی دیگر درباره نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت می‌فرماید: «همانا خداوند پاداش را بر اطاعت و کیفر را بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به سوی بهشت بکشاند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸). از امام صادق(ع) روایت شده است که گفت «پدرم می‌فرمود هیچ بنده مؤمنی نیست مگر اینکه در دلش دو نور است: نور بیم و نور امید»^(۳۱) (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۷). از زکریا بن آدم نقل شده است که می‌گوید: خدمت امام رضاع(ع) بودم که حضرت جواد(ع) را نزد ما آوردند. او، که حدود چهار ساله بود، دستها را بر زمین نهاد و سرش را به طرف آسمان بلند کرد و

به فکر فرو رفت. امام رضا(ع) به او فرمود: جانم به فدایت باد در چه موضوعی چنین اندیشه می کنی؟ فرمود: در آنچه نسبت به مادرم فاطمه(س) انجام داده‌اند. به خدا قسم، آنها را از قبر بیرون می آورم؛ می سوزانم و خاکسترشان را به دریا می ریزم. امام رضا(ع) (در مقابل کار نیکویش) او را به خود نزدیک ساخت؛ بین دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد. تو برای امامت شایستگی داری (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

تفاوت سبک فرزندپروری مقتدرانه با سبک فرزندپروری ائمه اطهار(ع) در چیست؟

سبک مقتدرانه، موفقترین روش فرزندپروری شناخته شده، و در میان روشهای فرزندپروری مطرح شده، نزدیکترین روش تربیتی به دیدگاه ائمه معرفی شده است؛ اما با نظر به نتایج پژوهشها و نیز دیدگاه ائمه اطهار(ع)، تفاوتهایی بین این دو روش وجود دارد. برای مقایسه و تطبیق دقیقتر و بر اساس پژوهشها در این زمینه، ویژگیهای مورد اشتراک بین سبکهای فرزندپروری (ویژگیهایی مانند محبت، کنترل، آزادی، تنبیه و تشویق، نظم و انضباط، توجه به تواناییها) انتخاب شده، و از بین ویژگیهای سبک تربیتی ائمه اطهار(ع) نیز همین ویژگیها انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این مباحث می توان گفت که سبک فرزند پروری ائمه(ع)، متکی بر عقلانیت و استدلال و آموزه‌های آن بر پایه دلیل، برهان و اقناع مخاطب استوار است. همان گونه که در توضیح سبک فرزندپروری مقتدرانه بیان شد، هر چند والدین در سبک مقتدرانه در تعاملات خود با فرزندانشان گرم هستند و اغلب از تقویت مثبت برای هدایت رفتار استفاده می کنند از بازخواست و تنبیه نیز استفاده می کنند. در سبک تربیتی ائمه(ع) خشونت، تندی، مطالبه اجباری و تحمیل آرا و اندیشه‌ها جایی ندارد. طبق دیدگاه ائمه اطهار(ع) والدین در تعامل با فرزندان آنها را تنبیه بدنی نمی کنند و از قهر و به کارگیری تنبیه‌های سخت و طولانی مدت پرهیز می کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۴). ائمه اطهار(ع) با شناختی که از نهاد افراد و توان آنها داشتند به تقدم عفو و تشویق بر تنبیه و مجازات مبادرت می ورزیدند. امام علی(ع) برای بیداری و هشیاری مریبان در مسیر تربیت افراد می فرماید: افراط در تنبیه و سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزونتر می کند»^(۳۲) (نهج البلاغه، نامه ۳۱). والدین در سبک مقتدرانه از کودکان خود توقع رفتار معقول و سنجیده دارند؛ اما طبق دیدگاه ائمه(ع)، والدین آنچه را فرزندان در توان دارند و انجام می دهند از وی می پذیرند و کارهای بیش از توان از او نمی خواهند و او را به سمت گناه و کارهای ناشایسته وادار نمی کنند (نهج البلاغه، نامه ۳۱). پیامبر اکرم(ص) فرموده است: خدا رحمت کند کسی که فرزندش را بر کار نیک یاری

کند. سؤال شد که والدین چگونه این کار را انجام دهند؟ حضرت فرمود: آنچه را در حد تواناییش انجام می‌دهد، بپذیرند (بیش از توانمندی وی از او انتظار نداشته باشند) و از آنچه برای کودک دشوار است، صرف نظر کنند^(۳۳) (حرّ عاملی، ۱۳۶۷: ۱۹۹). امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزندش را بر نیکی کمک می‌کند. راوی سؤال کرد: چگونه کمک می‌کند. امام صادق(ع) فرمودند: آنچه کودک می‌تواند انجام دهد، بپذیرد و ناتوانیهای کودک را بر او ببخشد» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۳). فرزندپروری مقتدرانه با کنترل و پذیرش زیاد والدین مشخص می‌شود در صورتی که در سبک فرزندپروری ائمه(ع) کنترل و پاسخدهی متناسب، متعادل و به دور از افراط و تفریط مشخص می‌شود. در این شیوه، تلاش والدین برای شکوفاسازی فطرت، فضیلت‌خواهانه است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «والدین، خود را در فرزندپروری مسئول می‌دانند» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۹). والدین مقتدر معیارهایی به فرزندان نشان می‌دهند که طبق آنها زندگی کنند و به اهدافی که مد نظر آنان است، برسند؛ اما در دیدگاه ائمه(ع) مسلماً هدف غایی در تعلیم و تربیت، قرب الهی و رسیدن به معبود و توجه به اخلاق و تقوی الهی است. امام سجّاد می‌فرماید: «ای آن که چشم‌ها از دیدن آن باز می‌مانند بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما» (صحیفه سجّادیه). در روش مقتدرانه احساس وظیفه خانوادگی و اجتماعی با نیت غیر الهی و غیر دینی و دستیابی به اصول، باورها و ارزشهای والدین و تأمین رضایت عاطفی والدین باعث توجه والدین به فرزندان می‌شود و در بهترین حالت، تربیت فردی قانونمدار هدف والدین است که برای خود و جامعه مفید است و مصالح و منافع آنها را تأمین می‌کند (قدسی، ۱۳۹۳: ۱۳). در دیدگاه ائمه اطهار(ع) تربیت فرزندان با اهداف خاصی انجام می‌گیرد. هدف امام علی(ع) نیز در تربیت دو چیز است: ادای مسئولیت و تکلیف الهی خود در برابر فرزندان برای تحقق بندگی و قرب الهی و تربیت فرزندان مسئولیت‌شناس که قبل از هر چیز خود را در برابر خالق متعال مسئول و مکلف می‌دانند و با ادای تکلیف به بندگی و قرب الهی نائل می‌شوند. در سبک فرزندپروری ائمه اطهار(ع) توجه به فرزند و هدف تربیت، پرورش عبد صالح و رشد و تعالی او به سوی کمال واقعی است (فرمهبینی، ۱۳۸۸: ۷۷). در سبک مقتدرانه والدین در برابر کارهای فرزندان، آنها را مورد بازخواست شدید قرار می‌دهند اما از دیدگاه ائمه اطهار(ع) اگر والدین از فرزندان ناراحت شوند، واکنش نامناسب نشان نمی‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۸). اگر کودکان در مقابل هر خطایی با سرزنش و تنبیه والدین روبه‌رو شوند، احساس مجرم بودن به آنها

دست می‌دهد. سرزنش و تذکرات پیاپی، بذل لجاجت را در فرزندان می‌افشانند و زمینه پذیرش اندرز را در آنها از بین می‌برد (حرانی، ۱۳۸۳: ۸۴). در سبک مقتدرانه، والدین، آماده اعمال کنترل مستقیم بر کودکانشان هستند و به تسلیم شدن در مقابل رفتارهای ناخوشایندی چون جیغ زدن و ریخت و پاش تمایلی ندارند (بامریند، ۱۹۹۱: ۷۱)؛ اما از دیدگاه ائمه اطهار(ع) نظارت باید منطقی و حتی‌الامکان غیر مستقیم و بجا باشد و بر نادیده گرفتن خطاهای کوچک، پذیرش فرزند به هنگام خطا، عفو و مهرورزی توصیه شده است. پاسخدهی و کنترل در دیدگاه ائمه اطهار(ع) بر محور تعادل، و بهترین نوع پاسخدهی به فرزند، محبت است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۱۹). نکته مهم این است که در دیدگاه ائمه اطهار(ع) کنترل و نظارت بموقع حضور والدین بویژه پدر، در کانون خانواده اختصاص ندارد؛ بلکه حتی وقتی پدر برای مدتی از کانون خانواده فاصله می‌گیرد و حضور فیزیکی ندارد، باید همچنان از وضعیت فرزندانش آگاه باشد و بر کار آنها نظارت کند؛ برای مثال حضرت رضا(ع) در زمان دوری از وطن و خانواده به شکل‌های گوناگون همچون نامه و پیامهای شفاهی از دور بر وضعیت فرزندش جواد(ع) نظارت می‌کرد (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۳).

کنترل و پذیرش زیاد والدین (کنترل رفتاری) در سبک مقتدرانه رسیدن به رفتار مستقل، بلوغ فرزندان، تلاش برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده است (بامریند، ۱۹۹۱: ۵۷)؛ اما در سبک فرزندپروری ائمه(ع)، پاسخدهی بموقع برای رشد معنوی و اخلاقی است و کنترل والدین برای رشد اخلاق انسانی و تحولات شناختی و عاطفی است و با مداومت فکر در آفرینش خداوند دل و وجود خود را به سوی او متوجه کنند. در سبک مقتدرانه والدین تلاش می‌کنند تا فرزندان به اهدافی دست یابند که آنها تعیین کرده‌اند. آنها از کودکان خود توقع رفتار معقول و سنجیده دارند و توقعات خود را آشکارا بیان می‌کنند و در مواضع خود قاطع و محکم هستند (هاور، ۲۰۱۰: ۳۹۸)؛ اما در دیدگاه ائمه اطهار(ع) اهدافی که خداوند مطرح کرده است نیز مد نظر قرار می‌گیرد. اهداف تربیتی که امام سجاد(ع) می‌فرمایند، عبارت است از: هدایت به راه حق و تمیز از باطل، اصلاح جامعه و رسیدن به حیات طیبه، رسیدن به قرب الهی و پرستش خداوند، دستیابی به معرفت خدا و ایمان و تقوی؛ لذا یکی از مهمترین اهداف تربیتی حضرت امام سجاد(ع) در صحیفه سجادیه تقویت هر چه بیشتر شناخت خداوند است. ایشان می‌فرماید: «خدایی که دیده‌های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه‌های وصف‌کنندگان از عهده وصفش بر نیایند به

قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش به وجود آورد بی‌اینکه از روی مثال و نمونه‌ای باشد» (صحیفه سجادیه، دعای ۱). در سبک مقتدرانه، والدین به تحمیل پیوسته قوانین با حساسیت به پذیرش را اجرا می‌کنند (سیگمن، ۱۹۹۹) در صورتی که از دیدگاه ائمه اطهار(ع) روحیه کودکان با تحمیل و امر و نهی چندان سازگار نیست. امام صادق(ع) وقتی می‌خواهد به فرزند خود بگوید: «لباست بلند است، آن را کوتاه کن» به جای امر کردن می‌گوید: «عزیزم، آیا پیراهنت را پاکیزه نمی‌کنی؟»^(۳۴) (حویزی، ۱۳۸۳: ۴۵۴)؛ از این رو معصومان(ع) کمتر دیگران را به صورت مستقیم از کاری نهی می‌کردند؛ بلکه به شیوه‌های گوناگون آنها را از کار خلاف باز می‌داشتند و نیز راه جایگزینی ارائه می‌کردند و یا به جای نهی کردن کودکان، موارد نهی را از دسترس آنان دور می‌کردند یا از بین می‌بردند (حویزی، ۱۳۸۳: ۴۵۴).

جدول ۲: تفاوت سبک فرزندپروری مقتدرانه و سبک فرزندپروری بر اساس دیدگاه ائمه اطهار(ع)

ویژگیهای سبک فرزندپروری مقتدرانه	ویژگیهای سبک فرزندپروری ائمه اطهار(ع)
بازخواست و تنبیه فرزندان در موقعیت‌های تشخیصی (با تأکید نظر والدین)	عدم خشونت، تندی، قهر، اعمال تنبیه‌های سخت، مطالبه اجباری و تحمیل آرا و اندیشه‌ها و تقدم عفو و تشویق بر تنبیه
توقع رفتار معقول و سنجیده والدین از فرزندان	پذیرش کارهای در حد توان و وادار نکردن فرزند به سمت گناه و کارهای خارج از توان و ناشایسته
کنترل و پذیرش زیاد والدین	کنترل و پذیرش متناسب، متعادل و به دور از افراط و تفریط
معرفی معیارهایی به فرزندان که طبق آنها زندگی کنند و رسیدن به اهدافی که مد نظر والدین است.	ترسیم اهداف الهی و انتظارات روشن برای فرزندان که همانا قرب الهی و رسیدن به معبود و توجه به اخلاق و تقوی الهی، رسیدن به حیات طیبه و دستیابی به معرفت خدا است.
علت توجه والدین به فرزندان، احساس وظیفه خانوادگی و اجتماعی با نیت غیر الهی و با اهداف غیر دینی است.	علت توجه به فرزند، ادای مسئولیت و تکلیف الهی برای تحقق بندگی و قرب الهی و تربیت فرزندان مسئولیت‌شناس و پرورش و تعالی او به سوی کمال واقعی
بازخواست والدین در برابر کارهای فرزندان	عدم واکنش نامناسب، عدم عیب‌جویی و سرزنش
اعمال کنترل مستقیم بر فرزندان و عدم تمایلی به تسلیم شدن در مقابل رفتارهای ناخوشایند آنها	نظارت منطقی و حتی المقدور غیر مستقیم و بر محور تعادل و حق‌محوری
کنترل و پذیرش زیاد والدین برای رسیدن به رفتار مستقل، بلوغ فرزندان و تلاش برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان	پاسخدهی و پذیرش برای رشد معنوی است و کنترل والدین برای رشد اخلاق انسانی و تحولات شناختی و عاطفی.
تحمیل پیوسته قوانین با حساسیت نسبت به پذیرش برای اجرا	عدم تحمیل و امر و نهی به فرزندان

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله سبک فرزندپروری مقتدرانه و نقد آن بر اساس دیدگاه ائمه اطهار(ع) مورد بررسی قرار گرفت. سبک فرزندپروری ائمه اطهار(ع) نشان می‌دهد که این شیوه با هیچ‌کدام از سبک‌های چهارگانه مقتدرانه، مستبدانه، آسانگیر و غفلت‌انگارانه انطباق ندارد و ائمه اطهار(ع) هیچ‌کدام را به طور مطلق تأیید نمی‌کنند. از میان سبک‌های فرزندپروری مطرح‌شده، فرزندپروری مقتدرانه نزدیکترین و شبیه‌ترین روش به دیدگاه اسلامی معرفی شده است. اگر چه این روش به روش تربیتی ائمه اطهار(ع) نزدیک است، تفاوت‌هایی بین این دو هست. هر چند والدین در سبک مقتدرانه در تعاملات خود با فرزندان‌شان گرم هستند و اغلب از تقویت مثبت استفاده می‌کنند از بازخواست و تنبیه نیز استفاده می‌کنند. در سبک تربیتی ائمه(ع) خشونت، تندی، مطالبه اجباری و تحمیل آرا و اندیشه‌ها جایی ندارد. بنابراین، این مکتب به ما می‌آموزد که اطاعت اجباری و بی‌چون و چرای فرزند، روش صحیح تربیت نیست و نمی‌تواند با توفیق همراه باشد. طبق دیدگاه ائمه اطهار(ع) والدین در تعامل با فرزندان آنها را تنبیه بدنی نمی‌کنند و از قهر و به‌کارگیری تنبیه‌های سخت و طولانی‌مدت پرهیز می‌کنند. والدین در سبک مقتدرانه از کودکان خود توقع رفتار معقول و سنجیده دارند؛ اما طبق دیدگاه ائمه(ع)، والدین آنچه را فرزندان‌شان در توان دارند و انجام می‌دهند از وی می‌پذیرند و کارهای بیش از توان از او نمی‌خواهند و او را به سمت گناه و کارهای ناشایسته وادار نمی‌کنند. فرزندپروری مقتدرانه با کنترل و پذیرش زیاد والدین مشخص می‌شود در صورتی که در سبک فرزندپروری ائمه(ع) کنترل و پذیرش متناسب، متعادل و به دور از افراط و تفریط مشخص می‌شود. والدین مقتدر معیارهایی به فرزندان نشان می‌دهند که طبق آنها زندگی کنند و به اهدافی که مدنظر آنان است، برسند؛ اما در دیدگاه ائمه(ع)، والدین، اهداف و انتظارات روشنی را برای فرزندان ترسیم می‌کنند. مسلماً هدف غایی در تعلیم و تربیت از دیدگاه ائمه(ع)، قرب الهی و رسیدن به معبود و توجه به اخلاق و تقوی الهی است. در روش مقتدرانه احساس وظیفه خانوادگی و اجتماعی با نیت غیر الهی و با اهداف غیر دینی باعث توجه والدین به فرزندان می‌شود اما در دیدگاه ائمه اطهار(ع) ادای مسئولیت و تکلیف الهی تربیت فرزندان مسئولیت‌شناس با هدف پرورش عبد صالح و رشد و تعالی او به سوی کمال واقعی است. در سبک مقتدرانه والدین در برابر کارهای فرزندان، آنها را مورد بازخواست قرار می‌دهند اما از دیدگاه ائمه

اطهار(ع) اگر والدین از فرزندان ناراحت شوند، واکنش نامناسب نشان نمی‌دهند. از دیدگاه ائمه اطهار در تربیت فرزندان نباید از کارهای آنها و آنچه انجام می‌دهند، عیب‌جویی، و آنها را سرزنش کرد. در سبک مقتدرانه، والدین، آماده اعمال کنترل مستقیم بر کودکانشان هستند و به تسلیم شدن در مقابل رفتارهای ناخوشایندی چون جیغ زدن و ریخت و پاش تمایلی ندارند؛ اما از دیدگاه ائمه اطهار(ع) نظارت باید منطقی و حتی‌الامکان غیر مستقیم و بجا باشد و بر نادیده گرفتن خطاهای کوچک، پذیرش فرزند هنگام خطا، عفو و مهرورزی توصیه شده و پاسخدهی و کنترل بر محور تعادل است. در سبک مقتدرانه، کنترل و پذیرش زیاد والدین (کنترل رفتاری) برای رسیدن به رفتار مستقل، بلوغ فرزندان، تلاش برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده است؛ اما در سبک فرزندپروری ائمه(ع)، پذیرش و پاسخدهی برای رشد معنوی و اخلاقی است و تقاضاهای والدین برای رشد اخلاق انسانی و تحولات شناختی و عاطفی است. در سبک مقتدرانه، والدین به تحمیل پیوسته قوانین می‌پردازند و به پذیرش قوانین و اجرای آن حساسیت نشان می‌دهند در صورتی که از دیدگاه ائمه اطهار(ع) روحیه کودکان با تحمیل و امر و نهی سازگار نیست. بنابراین آنچه باعث این اختلاف اساسی شده، جهان‌بینی و معرفت‌شناسی ائمه اطهار(ع) است که اهداف آفرینش انسان را متمایز می‌سازد و چگونگی تربیت و اهداف آن را در راستای توحید تعریف می‌کند؛ لذا سبک فرزندپروری ائمه اطهار(ع) با سبکهای چهارگانه مطرح شده، اختلاف پیدا می‌کند.

یادداشتها

- ۱ - وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ
- ۲ - انک مسئول عمًا ولینته من حسن الادب و الدلاله علی ربه.
- ۳ - یا بنی ان تأدبت صغیرا انتفعت به کبیراً.
- ۴ - أُیُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا [عَنْ] مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ [ضِرَائِهِ] ضَرَاوَهُ عَادَاتِهَا.
- ۵ - انه كان يأخذ من عنده من الصبيان بان يصلوا الظهر والعصر في وقت واحد والمغرب والعشاء في وقت واحد.
- ۶ - هو اخف عليهم و اجدر ان يسارعوا اليها ولا يضيعوها ولا يناموا عنها ولا يشتغلوا و كان لا يأخذهم بغير الصلاه المكتوبه و يقول: اذا اطاقوا الصلاه فلا تؤخروهم عن المكتوبه.
- ۷ - يامر الصبي بالصوم في شهر رمضان بعض النهار، فاذا رأى الجوع والعطش غلب عليه، امره فافطر.
- ۸ - رَحِمَ اللَّهُ مَنْ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ، قَالَ: كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرِّهِ؟ قَالَ: يُقْبَلُ مَيْسُورَةٌ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ، وَ لَا يُرْهَقُهُ وَ لَا

یخِرُقُ.

- ۹ - دع ابنک یلعب سبع سنین.
- ۱۰ - تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.
- ۱۱ - الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.
- ۱۲ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ اقِيمُوا صِفُوفَكُمْ، وَ حَاذُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لئَلَّا يَكُونَ بَيْنَكُمْ خَلَلٌ وَ لَا تَخَالَفُوا فَيُخَالَفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ، الْإِوَانِي أَرَاكُم مِّنْ خَلْفِي.
- ۱۳ - أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ عِنْدَ حَدِّهِ وَ لَا يَتَعَدَى قَدْرَهُ
- ۱۴ - وَ مَا يَعْتَدِرْمَنهُ، وَ لَا تَكُنْ عِنْدَ النِّعَمَائِ بِطَرًّا، وَ لَا عِنْدَ الْبِاسَائِ فِشْلًا.
- ۱۵ - فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَدَّةً وَ أَجَلًا.
- ۱۶ - أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ
- ۱۷ - إِيَّاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَقُّطَ فِيهَا عِنْدَ إِمْكَانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ فَضَعُ كُلِّ أَمْرٍ مَوْضِعُهُ وَ أَوْقِعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ.
- ۱۸ - الْمَوَدَّةُ أَقْرَبُ رَحِمٍ.
- ۱۹ - وَ إِنْ أَرَدْتَ قَطِيعَةَ أَحْيِكَ فَاسْتَبِقْ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً يَرْجِعُ إِلَيْهَا إِنْ بَدَأَ لَكَ ذَلِكَ يَوْمًا مَا.
- ۲۰ - قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيئَتُهُ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ.
- ۲۱ - إِنْ اللَّهُ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ.
- ۲۲ - مَنْ فَرَّحَ ابْنَتَهُ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَوَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ مَنْ أَفْرَّ بَعِيْنِ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ حَشِيئَةِ اللَّهِ.
- ۲۳ - أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ، فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةٌ حَمْسٍ مِائَةٍ عَامٍ.
- ۲۴ - مَنْ لَا يَرْحَمُ، لَا يَرْحَمُ.
- ۲۵ - إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُؤُوسِ وَوَلَدِهِ وَوَلَدِ وَوَلَدِهِ
- ۲۶ - أَحِبُوا الصِّبْيَانَ وَ أَرْحَمُوهُمْ وَ إِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا ففُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ
- ۲۷ - لَا تَضْرِبْهُ وَاهْجِرْهُ وَ لَا تَطَلْ
- ۲۸ - الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نَارَ اللَّجَاجَةِ
- ۲۹ - يَا بَنِي الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَكَ خَلْفًا مِنَ الْآبَاءِ وَ سُرُورًا مِنَ الْإِبْنَاءِ وَ عِوَضًا عَنِ الْأَصْدِقَاءِ
- ۳۰ - وَ أَكْرَمَ نَفْسِكَ عَنِ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَأَلْتَهُ إِلَى الرِّغَابِ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضًا وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا.
- ۳۱ - مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خَفِيفٌ وَ نُورٌ رَجَاءٍ.
- ۳۲ - الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نَارَ اللَّجَاجَةِ
- ۳۳ - رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَوَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَةَ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يَرْهَقُهُ وَ لَا يَخْرُقُ بِهِ.
- ۳۴ - يَا بَنِي أَلَا تَطْهَرُ قَمِيصَكَ

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- صحیفه سجاده. ترجمه حسین انصاریان.
- نهج البلاغه. ترجمه علی دشتی.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۸). *غرر الحکم و دررالکلم*. ترجمه هاشم رسولی. تهران: انتشارات نشر فرهنگ اسلامی.
- آهنگر انزابی، احد؛ شریفی درآمدی، پرویز؛ فرج زاده، رباب (۱۳۹۰). رابطه سبکهای فرزندپروری با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. *فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*. س اول. ش اول: ۱ تا ۸.
- بشارت، محمد علی؛ هوشمند، سیده نعیمه؛ رضازاده، سید محمد رضا؛ غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری والدین. *فصلنامه رویش روانشناسی*. س ۴. ش ۱۲: ۵۱ تا ۶۰.
- بناری، علی همت (۱۳۹۴). اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل بیت (ع). *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلام و روانشناسی*. س ۹. ش ۱۶: ۱۳۵ تا ۱۵۲.
- پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم؛ اله‌یاری، حمیده (۱۳۹۱). مقایسه سبکهای فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. س ۲۰. ش ۱۴: ۱۱۵ تا ۱۲۸.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۷). *وسایل الشیعه*. ج ششم. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- حرانی، ابو محمد الحسن (۱۴۰۴). *تحف العقول*. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه انشر اسلامی.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۳۸۳). *تفسیر نور الثقلین*. قم: انتشارات نوید اسلام.
- خانجانی، زینب؛ محمودزاده، رقیه (۱۳۹۲). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیر شاغل. *فصلنامه زن و فرهنگ*. س ۴. ش ۱۶: ۳۷ تا ۵۲.
- رضایی، اکبر؛ خداخواه، شبنم (۱۳۸۸). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و باورهای معرفت‌شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *فصلنامه علوم تربیتی*. س ۲. ش ۵: ۱۱۷ تا ۱۳۴.
- ساریان، حمیده؛ عیسی مراد، ابوالقاسم؛ طیبی، زهرا (۱۳۹۲). ارتباط نگرش‌های تربیتی والدین با ابعاد سلامت روانی - اجتماعی (خود پنداره و تعامل اجتماعی) نوجوانان دختر. *مجله روانشناسی مدرسه*. دوره دوم. ش ۳: ۹۷ تا ۱۲۴.
- سجادی، سید مهدی (۱۳۸۲). جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. دوره سوم. س ۱۰. ش ۳ و ۴: ۱۱۳ تا ۱۲۸.
- شکوهی یکتا، محسن؛ پرنده، اکرم؛ فقیهی، علی نقی (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. *فصلنامه تربیت اسلامی*. س ۲. ش ۳: ۱۱۵ تا ۱۴۰.

- طبرسی، حسن ابن فضل (۱۴۰۸). مکارم الاخلاق. بی تا: منشورات الشریف الرضی.
- فرمیهنی فراهانی، محسن؛ میرزا محمدی، محمد حسن؛ امیر سالاری، علی (۱۳۸۸). بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق(ع) (مبانی، اصول، روشهای تربیتی). دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد. س ۱۶. ش ۳۹: ۶۵ تا ۷۹.
- فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۱۷). عدّه الداعی و نجاح الساعی. ترجمه شیخ حسین غفاری ساروی. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- قاسم نژاد، حیدر (۱۳۹۴). نکات مهم در تربیت آدمی از منظر امام علی (ع). مجله علوم انسانی اسلامی. س ۱. ش ۴: ۱۶۲ تا ۱۶۹.
- قدسی، علی محمد؛ قائمی، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی سبک‌های فرزندپروری با سبک فرزندپروری امام علی(ع) در نامه سی و یکم نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه. س ۲. ش ۸: ۱ تا ۲۰.
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی. فصلنامه تربیت اسلامی. س ۳. ش ۶: ۹۳ تا ۱۲۲.
- کلانتری، مهرداد؛ مولوی، حسین؛ توسلی، میترا (۱۳۸۴). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش دبستانی شهر اصفهان. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. ش ۲۴: ۵۹ تا ۶۸.
- کلینی، محمد تقی (۱۳۷۵). اصول الکافی. ترجمه و شرح فارسی آیت‌الله کوه کمره‌ای. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، انتشارات اسوه.
- متقی هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محدث نوری، محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ج ۲. چ ۲. قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- محمدی، رضا (۱۳۸۷). اصول و روشهای تربیتی از دیدگاه پیامبر اکرم (ص). فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ش ۷۲: ۱۱۹ تا ۱۵۲.
- مرزوقی، رحمت‌الله؛ اناری نژاد، عباس (۱۳۸۶). تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه. فصلنامه تربیت اسلامی. ش ۴: ۱۶۳ تا ۱۹۲.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴). اثبات الوصیه. قم: انتشارات انصاریان.
- هاک، پل (۱۳۸۳). موفقیت در تربیت فرزندان (از ۵ تا ۱۸ سالگی): با رویکرد عقلانی - عاطفی. ترجمه حسین صیفوریان و محمد طاهر ریاضی ارسى. تهران: انتشارات رشد.
- یوسفی، فریده (۱۳۸۶). ارتباط سبک فرزندپروری والدین با مهارتهای اجتماعی و جنبه‌هایی از خود پنداره دانش‌آموزان دبیرستانی. فصلنامه دانشور رفتار. س ۱۴. ش ۲۲: ۳۷ تا ۴۶.
- یوسلیانی، غلامعلی؛ حبیبی، مجتبی؛ سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۱). رابطه رفتار مطلوب انضباطی با عملکرد خانواده، منبع کنترل و عزت نفس دانش‌آموزان. فصلنامه روانشناسی مدرسه. دوره اول. ش ۲: ۱۱۴ تا ۱۳۴.

- Alizadeh , H, &Andries , C.(2002) ,**Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents** .child & family behavior thrapy ,24,37
- Bamrind, o (1991) **The influence of parenting style on adolescent competence and substance use**, iournal .of Early Adolescence, 11, 56, 95.
- Barber, B. K., Jennifer, S., Ganesh, P., Shivakoti, W. G., Axinn , & Kishor, G. (1997) . **“Sampling Strategies for Rural Settings: A Detailed Example from The Chitwan Valley Family Study, Nepal.”** Population Journal of Nepal, 6, 193-203.
- Bornstein, M. H. (2005). **Positive parenting and positive development in children**. In **R. M. Lerner, F. Jacobs, & D. Wertlieb (Eds.)**, Applied developmental science, 155-177.
- Brook . J .S , Brook . D .W , Arencibia - Mireles . O , Richter. L and Whiteman . M (2001). **Risk factors for adolescent marijuana us across cultures and across tim** the journal of genetic psychology 162(3). 357-374.
- Bulanda, R. E. (2004). **Paternal involvement with children: The influence of gender**
- Dalzell, J, Nelson, H, Haigh, C, Williams, A & Monti, P(2007). **West Cheshire Hearing Advisory and Support Team (HAST). Involving families who have deaf children using a family needs survey: A multi-agency perspective**. Child Care Health Dev, 33(5), pp: 576- 585.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). **Parenting style as context: An integrative model**. Psychological Bllletin, 113, 487-496.
- DeHart,T.,Pelham ,B.W.,& Tennen . H.(2006). **What lies beneath: parenting style and implicit self esteem**. Journal of Experimental Social Psycholog, 42, 117.
- Domitrovich , C, Bierman , K. (2001). **Parenting practices and child social adjustment: Multiple pathways of influence** . Merriall – palmer Quarterly, 47, 235- 263.
- Gallarín. M and Alonso - Arbiol . L (2012). **Parenting practices , parental attachment and aggressiveness in adolescence : A predictive model** , journal of adolescence , 35(6) ,1601-1610.
- George, M.E. (2004). **Relations between arenting styles and children,s social status**. Un Published M.D Dissertation, Florida University.
- Hardy .D. F, T , G & Jaedicke , s. (2008). **Examining the velation of parenting to childrens coping whith every stress**. Child development ,vol.68,p:18-48.
- Hartup , W. & Laurson , B.(1993). **Conflict and context in peer relations**. In C. Hart (Ed). **Children on playgrounds: Research and perspectives and applications** (PP44-84). Albany NY: SUNY Press.
- Huver. R. M , Otten . R , de Vries . H , and Engels . R . C. (2010). **Personality and parenting styles in parents of adolescents** , journal of adolescence , 33(3) , 395-402.
- ideologies**. Journal of Marriage and Family, 66, 42-44.
- Jago. R , Davison. K . K , brockman. R , Page ,A . S , Thompson , J.L and Fox , K.R(2011). **Parenting styles , parenting practices , and physical activity in 10- to 11- year olds** , preventive medicine , 52 (1) , 44-47.
- Koerner, A. F. (2004). **Family Communication Patterns and Social Support in Families of origin and adult childrens subsequent intimate relationships**. International Association for Relationship Research Conference, Madison, WI, 1-39.
- Lamborn , S , Mounts , N, Steinberg , L. D & ombusch , S. (1991). **Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative , authoritarian , indulgent , and neglectful families**. child development , 62 1049-1065.
- MaCarty, CA., Lau, AS., Valery, SM., (2004). **Parent - child interactions to critical and emotionality over involved expressed emotion: is EE a proxy for behavior?** Journal of Abnorm child Psychology , 32(4): 83-93.

- Pellerin, L; A (2005). **Applying Baumrind's parenting typology to high**
- Querido , J.G. Warner, T.D. & Eeberg , S.M. (2002). **Parenting styles and child behavior in African American families of pre- school Children.** Journal of clinical child psychology , 31, 272- 277.
- schools.** Journal of Social science. Vol 34, 283-303.
- Sharma, M. & Joshi, H. L. (2015). **Role of Family Environment and Parenting Style in Adjustment among Male Adolescents.** International Journal of Current Research and Academic, 3, 252-263.
- Sigelman. C.(1999). **Life – span human development.** Brookseele publishing company USA.
- Steinberg, L. D. (1996). **Adolescence.**New York: Mc Grae- Hill.

